گذر

بودجه وزارت نفت ۱۷ هزار میلیارد تومان

■ **فارس:** بودجه شرکت ملی نفت ایران و وزارت نفت در لایحه بودجه سال ۹۱ به ترتیب معادل ۱۶هزار و ۲۵۰میلیارد تومان و ۱۷میلیون تومان دیده شده است. بررسی‌ها از بودجه چهار شرکت اصلی وزارت نفت در لایحه بودجه سال ۹۱ نشان می‌دهد، درآمد شرکت ملی نفت ایران ۱۷هزار و ۷۲۴میلیارد تومان و هزینه‌های آن ۱۶هزار و ۲۵۰میلیارد تومان اعلام شده است. بر اساس این گزارش، درآمدهای شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی نیز ۸۸۰میلیارد تومان و هزینه‌های آن ۷۶۰میلیارد تومان اعلام شده است. در لایحه بودجه ۹۱، درآمد شرکت ملی گاز ایران ۷۸۲میلیارد تومان و هزینه‌های آن ۷۱۷میلیارد تومان اعلام شده است و درآمد شرکت ملی پتروشیمی ایران ۹۷۱میلیارد تومان و هزینه‌های آن ۹۶۹میلیارد تومان اعلام شده است. نکته جالب توجه اینکه بودجه وزارت نفت در لایحه سال ۹۱، ۱۷هزارمیلیارد تومان برآورد شده است.

امضای قرارداد گازی پاکستان با قطر

■ **شرق:** وزیر انرژی پاکستان و وزیر انرژی قطر قرارداد صادرات ۵۰۰میلیون فوت‌مکعب در روز گاز ال.ان.جی به اسلام‌آباد را امضا کردند. وزیر انرژی قطر نیز از سفر خود به پاکستان تا ماه آینده خبر داد و افزود: «قرار است قطر پنج‌میلیارد دلار برای تکمیل پروژه‌های تامین انرژی در پاکستان سرمایه‌گذاری کند.» گاز وارداتی از قطر تولید برق پاکستان را ۲۵۰۰ مگاوات افزایش خواهد داد. این قرارداد ممکن است قرارداد صادرات گاز ایران به پاکستان را تحت‌الشعاع قرار دهد. پاکستان باید خط لوله خرید گاز از ایران را تا سال ۲۰۱۴ آماده کند. آمریکا بارها اعلام کرده است که اسلام‌آباد را برای لغو قرارداد خرید گاز از ایران تحت فشار قرار می‌دهد.

حذف چهار صفر از پول ملی باید به تصویب مجلس برسد

■ **مهر:** وزیر امور اقتصادی و دارایی درباره حذف چهار صفر از پول ملی و زمان اجرای آن گفت: این طرح باید در مجلس به قانون تبدیل شود که با انتخابات پیش روی مجلس، بعید می‌دانم در سال‌جاری مورد بررسی قرار بگیرد. شمس‌الدین حسینی تصریح کرد: اجرای این طرح موجب بازیافت اسمی ارزش پول ملی می‌شود که امیدواریم سال آینده به مرحله اجرا برسد.

نصب کنتورهای آب کارتی آغاز شد

■ **ایسنا:** از ابتدای پروژه نصب کنتورهای کارتی (پیش‌پرداختی) تاکنون، ۵۰۰ دستگاه از این کنتورها در محدوده آبفای منطقه یک نصب شده است. معاون درآمد و امور مشترکان آبفای منطقه یک با اعلام این خبر گفت: این کنتورها به صورت موقت و برای استفاده آزاد و عمومی مشترکان نصب شده است. شهرام وزیری درباره روش کار این کنتورها گفت: مشترکانی که نیاز به استفاده از آب برای مصارف آزاد دارند می‌توانند با خرید کارت اعتباری نسبت به فعال‌سازی کنتور اقدام و آب مورد نیاز فعالیت‌های خود را تامین کنند. وی درباره مزایای نصب این کنتورها برای آبفا گفت: دریافت هزینه آب مصرفی پیش از مصرف و خارج شدن آنها از فرآیند طولانی قرائت، صدور و توزیع قبض از مزایای این کنتورهاست. معاون درآمد و امور مشترکان آبفای منطقه یک، نصب ۵۰۰ دستگاه کنتور دیگر را از جمله برنامه‌های آینده این دفتر تا پایان امسال عنوان کرد.

وعده‌هایی که محقق نمی‌شوند

۱۰ میلیارد تومان باقی‌مانده مطالبات چایکاران

■ **ایلنا:** بدهی چایکاران درحالی باقی مانده است که هر ساله به فاصله ۱۰ تا ۱۵روز بعد از خرید برگ سبز چای از چایکاران پرداخت می‌شد اما امسال وعده مسوولان یکی پس از دیگری محقق نمی‌شود. سازمان چای کشور چندی پیش اعلام کرده بود از ابتدای سال زراعی تاکنون بیش از ۴۰ میلیارد تومان بهای برگ سبز چای کشاورزان پرداخت شده و در آینده نزدیک پس از دریافت قدر سهم کارخانه‌های چای‌سازی، مانده مطالبات کشاورزان پرداخت خواهد شد، این در حالی است که یک چایکار گفته است مسوولان وعده داده‌اند که اواخر بهمن ماه جاری تمام بدهی چایکاران را پرداخت می‌کنند. در این زمینه رییس اتحادیه چایکاران گفت: اخیرا مقداری از بدهی چایکاران پرداخت شده است البته حدود ۱۰ میلیارد آن باقی مانده است. ایرج هوسمی با بیان اینکه چایکاران تک‌محصولی هستند، افزود: کل بدهی چایکاران حدود ۵۰ میلیارد تومان است که بخش اعظم آن پرداخت و از ۱۶ میلیارد باقیمانده آن اخیرا مقداری پرداخت شده و حدود ۱۰میلیارد آن همچنان باقی مانده است. رییس اتحادیه چایکاران تصریح کرد: چایکاران تک‌محصولی هستند که حتی یک دینار از مطالبات آنها ظلم در حق چایکاران است. هوسمی با بیان اینکه هر روز که می‌گذرد قدرت خرید چایکاران ضعیف‌تر می‌شود، عنوان کرد: امسال وضعیت پرداخت بدهی چایکاران بسیار بد شده است به‌گونه‌ای که در سال‌های گذشته بدهی آنها به فاصله ۱۵ تا ۲۰ روز بعد از برداشت پرداخت می‌شد اما امسال با گذشت ۱۰ ماه تنها نیمی از بدهی آنها پرداخت شده است. رییس اتحادیه چایکاران ضمن اعلام اینکه زمانی قیمت یک کیلو چای با یک کیلو گوشت برابر بود، افزود: اکنون میانگین قیمت برنج سه هزار تومان است در حالی که قیمت چای ۳۰۰ تومان است. رییس اتحادیه چایکاران نیز خاطرنشان کرد: از سه هزار و ۲۰۰ هکتار زمین چای حدود یک سوم آن موجود است و بقیه به صورت جنگل متروکه در آمده است.

ارزیابی پدرام سلطانی از مشکلات تامین مالی در اقتصاد ایران:

گرفتارها به راحتی حذف می‌شوند

انتظار تامین مالی از طریق بانک‌ها در دولت نهم به اوج خود رسید. اجبار بانک‌ها برای پرداخت تسهیلات به بنگاه‌های زودبازده یکی از نمونه‌هایی است که آشکارا نگاه ویژه دولت به بانک‌ها را به تصویر می‌کشد. نبود بازارهای موازی با بانک‌ها برای تامین مالی، تمامی تقاضاها را به سمت شبکه بانکی هدایت کرده است. نه بورس توان تامین مالی فعالان اقتصادی را دارد و نه دولت می‌تواند از طریق بانک‌های تخصصی به داد متقاضیان برسد. در این گیرودار بیش از همه این بنگاه‌های کوچک و بدهکار هستند که فشار نبود نقدینگی را تحمل می‌کنند، زیرا اولین و آخرین راهکار تامین مالی، که بانک‌ها هستند نیز به آنها پشت کرده‌اند. پدرام سلطانی، نایب‌رییس اتاق بازرگانی در گفت‌وگو با شرق از نبود جایگزین تامین مالی برای بانک‌ها می‌گوید که سیاست‌های دولت و بانک مرکزی نیز همین راهکار مانده را دچار اختلال کرده است.

■■■

همه برای تامین مالی از بانک‌ها انتظار دارند، مگر راهکاری به‌عنوان جایگزین برای خدمات بانکی وجود ندارد؟

امکان استفاده از روش‌های جایگزین در کشور وجود ندارد. نه دولت به متقاضیان که بخش‌های تولیدی هستند کمک می‌کند و نه افراد می‌توانند از صندوق‌های سرمایه‌گذاری خارج از بورس استفاده کنند. هر چه سهام در کشور صندوق سرمایه‌گذاری وجود داشت رفتند و خریدند. اگر فردی شرکت داشته باشد یا یک فعال واحد اقتصادی کوچک باشد و شرکت او نیز در بورس نباشد و بخواهد برود سراغ یک سرمایه‌گذار بالقوه و بگوید من این پروژه را دارم و کارایی آن را توضیح دهد و بگوید برای تولید این کالا با من شراکت کن یا تسهیلات در اختیار من بگذار، متاسفانه چنین مجموعه‌ای در کشور وجود ندارد. اگر هم وجود داشته باشد، معدود و پرتوقع هستند. زیرا آن مجموعه انتظار دریافت سود تضمین شده به میزان ۴۰ تا ۵۰درصد دارد. چیزی که شبیه نزول و بهره است.

چه مشکلی در تامین منابع از طریق صندوق‌های سرمایه‌گذاری خارج از بورس وجود دارد؟

یکی از موضوعاتی که من کالبدشکافی کرده‌ام صندوق‌های سرمایه‌گذاری خارج از بورس است که اصطلاحا به آنها صندوق‌های سرمایه‌گذاری مخاطره‌پذیر می‌گویند، زیرا میزان ریسک آنها نسبتا کم است. زمانی که فرد پول خود را در بانک سپرده‌گذاری می‌کند کمترین ریسک را می‌پذیرد، به همین دلیل نیز کمترین سود به فرد پرداخت می‌شود. اما زمانی که فرد برای سرمایه‌گذاری وارد بورس می‌شود ریسک بالاتری می‌پذیرد، یعنی امکان دارد در پایان سال ۴۰درصد سود کند حتی امکان زیان نیز وجود دارد اما اگر فرد در امر سرمایه‌گذاری استمرار داشته باشد، میانگین سود عایدی سالانه وی با تمام فراز و نشیب‌ها و سود و زیان‌های موجود در نهایت نسبت به سود بانک بیشتر خواهد بود. حال اگر فرد از حوزه بورس نیز خارج شود و ریسک بیشتری را بپذیرد احتمال کسب سود بیشتر افزایش می‌یابد. برای نمونه یک کارآفرین طرح جدیدی را ارایه کند و به شما بگوید این تولید یک‌دلار برای من تمام می‌شود و پس از تولید انبوه می‌توانیم آن را ۱۰۰دلار بفروشیم، سودی که به شما می‌رسد مثلا ۳۰ تا ۴۰دلار خواهد بود. اگر شما چنین سرمایه‌گذاری‌ای را انجام دهید امکان دارد تا پایان سال ۲۰۰درصد سود به دست آورید اما اگر این تئوری پروژه درستی نباشد یا حتی رقبای زیادی در بازار داشته باشد، نمی‌تواند به تولید انبوه برسد و موفق شود یا اینکه امکان دارد همه پول شما هدر رود. پس باید به نسبت سودی که انتظار دارید، ریسک بالاتری نیز بپذیرید. کشورهایی مانند آمریکا، کانادا و برخی از کشورهای اروپایی و آسیای جنوب شرقی به شدت پیشتاز در نوآوری هستند. زیرا همواره افراد یا شرکت‌هایی هستند که اختراعات و نوآوری‌ها را تحلیل کنند تا در صورت داشتن ارزش برای سرمایه‌گذاری در آن پروژه وارد شوند. یعنی اینکه صندوق‌های سرمایه‌گذاری مخاطره‌پذیر موجب رشد و توسعه نوآوری در یک کشور می‌شود که ما فاقد چنین صندوق‌هایی هستیم و جایی نیست که مخترعان و مکتشفان ما ایده‌های خود را عملی کنند و به مرحله تولید برسانند. بنابراین در کشور ما بنگاه‌های کوچک و متوسط که در بورس نیستند عملا از این گزینه محروم هستند. پس گزینه دولت مانند آنچه در کشورهای دیگر رایج است منتفی است یا اگر هم وجود داشته باشد، با پارتی‌بازی همراه است. چنان که در طرح بنگاه‌های زودبازده مشاهده شد. هر کسی که توانست ارتباطی برقرار کند، تسهیلات گرفت بی‌آنکه بانک‌ها بدانند آن فرد با آن میزان پول می‌خواهد چه کار کند که البته اکثر تسهیلات پرداختی به این بخش نیز به معوقات بانکی تبدیل شد. در حالی که در کشورهای دیگر اعتباری که در اختیار بانک‌ها قرار می‌دهند تا آن را به کارآفرینان جوان، بنگاه‌های کوچک و متوسط و آن بخش از کسب‌وکارهایی که امکان تامین مالی از طریق شبکه بانکی را ندارند بدهد باید توجیه اقتصادی داشته باشد نه اینکه چشم‌بسته وجوه را به توصیه استاندار به این و آن پرداخت کنند و آنان نیز نتوانند اقساط خود را بپردازند.

بنابراین شما معتقدید برخی راه‌های تامین مالی مانند صندوق‌های سرمایه‌گذاری خارج از بورس وجود ندارد اما آن بخشی را نیز که دولت با هدف تامین مالی مهیا کرده است، اگرچه داشته‌ایم اما به خوبی اجرا نکرده‌ایم.

بله، درست است. مسیر تامین مالی بنگاه‌های زودبازده درست نبود و به همین دلیل نیز واقعا با شکست مواجه شد و زیان عظیمی روی دست بانک‌ها گذاشت.

بورس چه؟ آیا امکان تامین مالی از طریق بورس وجود دارد؟

بنگاه‌های کوچک و متوسط که در بورس حضور ندارند، از این گروه حذف می‌شوند. این‌گونه بنگاه‌ها معمولا نمی‌توانند بورسی شوند زیرا شرکت‌های کوچکی هستند که باید خود را به مقیاس و اندازه‌ای برسانند و حتی طی دو، سه دوره مالی به میزان سودی دست یابند و سپس تبدیل به سهامی عام شده تا در بورس پذیرفته شوند. بنابراین نیاز به یک فرآیند چندساله دارند. تازه اگر بتوانند موفق عمل کنند و به سودآوری برسند، در حالی که سودآور نباشند، به هیچ‌وجه نمی‌توانند وارد بورس یا تبدیل به سهامی عام شوند. از این رو تنها گزینه‌ای که در کشور ما برای تامین مالی، به جز آورده سهامدار می‌ماند، جذب شرکای جدید و مراجعه به شبکه بانکی است اما برای شرکت‌های بزرگ، تامین مالی از طریق بورس هم وجود دارد.

بنابراین شرکت‌های بزرگ در تامین مالی نگرانی خاصی ندارند؟

من تاکنون نشنیده‌ام که شرکت‌های بزرگ کشور درخصوص تامین مالی نق بزنند و نگرانی داشته باشند. زیرا آنان تامین مالی خود را از طریق بورس انجام می‌دهند. این گروه از شرکت‌ها با عرضه اولیه سهام خود در بورس به پول قابل توجهی دست می‌یابند که با آن افزایش سرمایه می‌دهند و سهامداران دیگری که در بورس هستند نیز وارد می‌شوند.

چرا؟ چون شرکت‌های بورسی ریسک کمتری نسبت به شرکت‌ها و بنگاه‌های خارج از بورس دارند؟

مسلما بانک یک بنگاه اقتصادی است و از یک منطق اقتصادی نیز برخوردار است. بنابراین به طور حتم در مواجهه با دو پیشنهاد از این دست، که یکی از طرف شرکت بورسی با ریسک کمتر مطرح می‌شود و البته سود کمتری نیز دارد و دیگری که توسط یک بنگاه کوچک یا متوسط با ریسک بیشتر و سود بیشتری همراه است، درخواستی را انتخاب می‌کند که اگرچه سود کمتری را برای بانک دربردارد اما احتمال معوق شدن منابع آن کم است. بانک‌ها به دنبال این هستند که با نرخ سود کمتری به شرکت‌های بزرگ و بورسی تسهیلات دهند. زیرا می‌دانند این‌گونه شرکت‌ها از ریسک کمتری برخوردارند. در همه جای دنیا نیز همین رویه وجود دارد. یعنی شرکت‌ها توسط موسسات اعتبارسنجی که در کشور ما هنوز از آنها به طور جدی خبری نیست، اعتبار سنجی و رتبه‌بندی می‌شوند. سپس بانک‌ها براساس رتبه‌های موسسات به آنها تسهیلات می‌دهند. هرچه رتبه شرکت‌ها بالاتر باشد بانک‌ها با نرخ سود کمتری به آنها تسهیلات پرداخت می‌کنند و هر چه رتبه آنها پایین‌تر باشد نرخ سود دریافتی توسط بانک‌ها افزایش می‌یابد. در ایران نیز این‌گونه است. یعنی کسانی که می‌گویند نرخ سود بالاست، شاید از وجود نرخ سود پایین بی‌خبرند. البته این نرخ سود برای شرکت‌هایی است که ریسک پایین‌تری دارند.

با این تعاریف تکلیف شرکت‌های زیان‌ده در دریافت تسهیلات مشخص می‌شود و این گروه از شرکت‌ها به ندرت می‌توانند به منابع بانکی دسترسی پیدا کنند.

بانک‌ها معمولا به شرکت‌های زیان‌ده تسهیلات نمی‌دهند. زیرا واقعیت این است که در شرایط فعلی بنگاه‌های کوچک و متوسط به دلیل رکود، تحریم و مشکلات متعدد زیان‌ده شده‌اند و بانک‌ها نیز به این بنگاه‌ها تسهیلات پرداخت نمی‌کنند. این یک تفکر اقتصادی است.

تکلیف این گروه از بنگاه‌ها چیست و آنها باید از چه راه‌هایی تامین منابع کنند؟

تزریق منابع مالی. یعنی اگر دولت می‌خواهد این فضا را بشکند، باید مانند بسیاری از دولت‌ها به بازار تزریق مالی داشته باشد. یعنی بانک مرکزی وجوهی را در اختیار بانک‌ها بگذارد تا از این طریق در اختیار بنگاه‌های زیان‌ده قرار گیرد.

بانک مرکزی تاکنون این کار را نکرده است؟

معمولا چنین کاری نمی‌کند.

چرا؟ آیا از افزایش نقدینگی هراسان است یا به‌نظر شما دلیل دیگری دارد؟

انگیزه اصلی را نمی‌دانم. اما به طور کلی بانک مرکزی ما در تعامل با بخش خصوصی بسیار محافظه‌کار است. بانک مرکزی بانک دولت است. برای دولت هم خوب کار می‌کند اما در بخش خصوصی و اقتصاد کشور عملکرد مطلوبی نداشته است. اقداماتی که بانک‌های مرکزی سایر کشورها در شرایط بحرانی انجام می‌دهند هیچ‌کدام را در بانک مرکزی خودمان شاهد نبودیم. در حقیقت باید گفت بانک مرکزی ما سیاست‌های پولی را نیز درست اجرا نمی‌کند. اگر بانک مرکزی قادر بود جلوی دولت بایستد، سال‌های گذشته شاهد تورم‌های دو رقمی نبودیم یا اینکه می‌توانست رکود را کنترل کند، تاکنون رکود در کشور کنترل شده بود در حالی که هنوز کشور با رکود دست‌وپنجه نرم می‌کند. پس این نهاد سیاستگذار نه ماموریت اصلی خود را انجام می‌دهد و نه در شرایط بحرانی تزریق نقدینگی می‌کند. تازه به بانک‌ها هم فشار وارد می‌آورد که اضافه برداشت از خزانه بانک مرکزی نداشته باشند و در صورت اضافه برداشت آنها را جریمه می‌کند.

تاکید بر عدم اضافه برداشت و حتی جریمه بانک‌های متخلف همواره در قانون آمده و شاید از این منظر درست عمل کرده است.

البته بانک مرکزی از نظر مقررات درست عمل می‌کند اما واقعیت این است که بانک مرکزی نباید در شرایط متفاوت یکسان عمل کند. در شرایط رکودی اعمال فشار بر بانک‌ها درست نیست و این سیاست در شرایط رونق پسندیده است. اتفاقا بانک مرکزی در شرایط رونق باید چنین سیاستی را در پیش گیرد. برای اینکه اقتصاد افسارگسیخته نشود و یک‌باره تورم شعله‌ور نشود یا اینکه بانک‌ها در یک فضای هیجانی اقدام به ارایه تسهیلات نکنند، مانند بحرانی که در آمریکا به وجود آمد، در این شرایط بانک‌ها باید انقباضی عمل کنند اما در رکود عکس این قضیه صادق است. یعنی بانک‌ها را تا حدودی آزاد می‌گذارند. متاسفانه رفتار بانک مرکزی ما چه در شرایط رکود و چه در رونق و چه در تورم تغییر نمی‌کند و از این جهت واقعا جای تاسف است. بنابراین تامین مالی در کشور ما از طریق دولت و بانک مرکزی پایه بسیار ضعیفی دارد. پس اگر بورس و دولت را از نظر تامین مالی کنار بگذاریم، تنها راه باقیمانده برای بنگاه‌های کوچک و متوسط سیستم بانکی است. بنابراین براساس نظریه پرتو، سیستم بانکی یک سیستم خوشحال است.

شما مکررا در گفته‌های خود نشان داده‌اید که طرفدار تاسیس بانک‌های جدید هستید زیرا براساس گفته‌های شما تنها راه‌حل بنگاه‌های کوچک و متوسط برای تامین مالی شبکه بانکی است.

بله، زیرا یکی از روش‌های موجود این است که اجازه دهند بانک‌های جدید تاسیس شوند تا فضا به نفع فعالان اقتصادی ترمیم شود بی‌آنکه بانک‌های موجود نیز به بحران کشیده شوند. زیرا بانک‌ها در فضای رقابتی اگرچه همواره پیرو توافقات نانوشته‌ای بوده‌اند، قادر به فعالیت خواهند بود. یعنی بانک‌ها از یک اندازه‌ای بیشتر با یکدیگر رقابت نمی‌کنند و نرخ‌ها را از یک حدی بیشتر پایین‌تر نمی‌آورند. اینها توافقات نانوشته‌ای است که البته در کشورهای دیگر، به میزان بیشتری نانوشته است. زیرا در تمامی کشورها شورای رقابت قوی و ریشه‌داری وجود دارد که در صورت آگاهی از هرگونه تبانی، جرایم سنگینی را برای متخلفان وضع می‌کند. شورای رقابت در کشور ما در حد شورای رقابت سایر کشورها نیست و جوان است و تاکنون نتوانسته کار خاصی انجام دهد. حتی به این شورا اجازه نمی‌دهند کوچک‌ترین اظهارنظری کند که منجر به تغییر تصمیم شود. در سیستم بانکی ما نیز توافقات نانوشته‌ای از این دست، پشت درهای بسته انجام می‌شود اما در حد نمونه خارجی آن نیست.

در دهه ۸۰ ما شاهد تاسیس و راه‌اندازی بانک‌های خصوصی بودیم. آیا تغییری در تامین مالی بخش خصوصی به وجود آمد؟

بله. پیشتر اشاره کردم که ما در کشور صندوق سرمایه‌گذاری مخاطره‌پذیر نداریم. به جای آن یک عده بازاری بودند که پول نزول می‌دادند. کسی که واقعا به مشکل برمی‌خورد و جای دیگری مانند بانک نیز نبود که نیاز مالی وی را تامین کند، چاره‌ای جز دریافت پول نزولی نداشت. اینها جایگزین نظام بانکی بودند. بانکداری خصوصی که آمد، ابتدا رقیب نزول‌خواران شد. یعنی بسیاری از کسانی که نمی‌توانستند از بانک‌های دولتی تسهیلات دریافت کنند و ناچار باید به بازاری‌ها مراجعه می‌کردند سراغ بانک‌های خصوصی رفتند و به جای بهره‌های ۵۰درصدی در سال، بهره‌های ۳۰ تا ۳۶درصدی را به بانک‌های خصوصی پرداخت کردند. البته میزان سود آنها در سال‌های بعد کاهش یافت. نظیر این اتفاق می‌تواند با آزاد گذاشتن نظام بانکی رخ دهد. اگر امروز بانک‌ها آزاد گذاشته شوند درست است که بانک‌های دولتی دیگر تسهیلات خود را با نرخ سود مصوب پرداخت نخواهند کرد اما بانک‌های خصوصی نیز مجبور می‌شوند نرخ سود خود را مثلا از ۲۷ به ۲۲درصد کاهش دهند. این اتفاق منجر به تعدیل دوجانبه نرخ سود می‌شود. بنابراین ما باید شاهد قطع پرداخت تسهیلات با نرخ سود یارانه‌ای باشیم و با این اقدام شکاف هفت تا هشت درصدی نرخ سود نیز در بانک‌های خصوصی و دولتی به سه درصد خواهد رسید. در هیچ جای دنیا این میزان شکاف میان نرخ سود تسهیلات در بانک‌های خصوصی و دولتی وجود ندارد. البته پیش از اینکه نرخ سود به صورت دستوری در سال۸۵ کاهش پیدا کند، نرخ سود بانک‌های دولتی و خصوصی به یکدیگر نزدیک شده بود که با این اقدام دولت، شکاف نرخ سود این دو گروه از بانک‌ها مجددا افزایش یافت.

بخش خصوصی همواره به دنبال کاهش سود بوده است در حالی که شما از افزایش نرخ سود در نتیجه آزادی عمل بانک‌ها سخن می‌گویید؟ چرا؟

واقعیت این است که من اگر بخواهم فقط به جیب خودم یا تنها به منافع بخش خصوصی توجه کنم، باید همواره از کاهش نرخ سود و حتی کاهش نرخ سود فعلی دفاع کنم. اما اگر در درازمدت به دنبال نجات اقتصاد کشور باشم باید از آزادسازی دفاع کنم که در نهایت منجر به کاهش سود و همچنین کاهش شکاف میان نرخ سود بانک‌های دولتی و خصوصی می‌شود. اگر اقتصاد پایدار باشد، هم بانک‌ها می‌توانند به راحتی فعالیت کنند و هم صنایع و بخش‌های تولیدی. اما در یک اقتصاد یارانه‌ای که پایدار نیست امکان چنین چیزی وجود ندارد. کما اینکه دیدیم دولت نتوانست زیر بار یارانه‌های بنزین دوام بیاورد و در بدترین شرایط ممکن تن به آزادسازی داد. نگذاریم که این اتفاق برای نظام بانکی بیفتد و در بدترین شرایط بانکداری را آزاد کنیم.

تامین مالی چقدر تحت تاثیر سیاست‌های دولت به‌ویژه در سال‌های اخیر بوده است؟

تامین مالی تابعی از سیاست‌های دولت است. زیرا بانک مرکزی منفعل است. یعنی کاملا در سیطره تصمیم‌گیری دولت است و به هیچ‌وجه استقلال ندارد. نداشتن استقلال نیز به تامین مالی آسیب می‌زند. سایر عوامل مانند تورم، نرخ ارز، اقتصاد و... را تحت تاثیر قرار می‌دهد. اینها همه حاصل عدم استقلال بانک مرکزی است.

در حال حاضر کدام‌یک از شرکت‌های بخش خصوصی یا فعالان اقتصادی دچار مشکل تامین مالی هستند؟

شرکت‌های زیان‌ده. شرکت‌هایی که بدهی به بانک‌ها دارند نیز در تامین مالی با مشکل مواجه‌اند. علاوه بر این شرکت‌هایی که در این اواخر به دلیل رکود مقدار قابل توجهی چک برگشتی داشته‌اند. این سه گروه از نظر تامین مالی در صف اول قرار دارند.

سایر شرکت‌ها می‌توانند به راحتی تسهیلات دریافت کنند؟

بله. اما نرخ سود تسهیلات آنها بسته به بانک پرداخت‌کننده و میزان رایزنی آنها با بانک مورد نظر متفاوت است.

خبر

آغاز تولید زودهنگام نفت از میدان یادآوران

■ **ایرنا:** مدیرعامل شرکت مهندسی و توسعه نفت (متن) از آغاز تولید زودهنگام نفت خام از میدان بزرگ یادآوران خبر داد. «ناجی سعدونی» با باز کردن نخستین چاه به سمت دارخوین، کلید تولید زودهنگام روزانه ۲۰هزار بشکه نفت از میدان یادآوران را از روز سه‌شنبه زد. وی تصریح کرد: حفاری ۹ حلقه چاه میدان یادآوران تکمیل شده است و در روزهای آینده، شاهد نخستین مرحله تولید از این میدان نفتی خواهیم بود. مدیرعامل شرکت مهندسی و توسعه نفت (متن) توسعه این میدان را در سه فاز برنامه‌ریزی شده اعلام کرد.

مصرف ۸۰درصد گاز در بخش خانگی و تجاری

■ **فارس:** در هشت روز ابتدایی دهه دوم بهمن ماه بیش از چهار میلیارد مترمکعب گاز در کشور مصرف شد که از این میزان بیش از سه میلیارد مترمکعب تنها در بخش خانگی و تجاری مصرف شده است. در دهه دوم بهمن ماه سال‌جاری بیش از چهار میلیارد و ۲۶۴ میلیون مترمکعب گاز در کشور مصرف شده است که از این میزان سه میلیاردو ۴۱۱میلیون مترمکعب گاز در بخش خانگی مصرف شده است. این گزارش حاکی است در مدت مشابه سال گذشته نیز چهار میلیارد و ۱۵۲ میلیون مترمکعب گاز در کل کشور مورد استفاده قرار گرفت که از این میزان تنها سه میلیارد و ۳۰ میلیون مترمکعب گاز در بخش خانگی مصرف شده است.

ظرفیت آب سدهای ایران ۴۶ میلیارد مترمکعب

■ **مهر:** معاون اول رییس‌جمهور با بیان اینکه در حال حاضر حدود یک‌هزار سد در ایران مراحل مختلف بهره‌برداری، ساخت و مطالعه را پشت سر می‌گذارند، اعلام کرد: در حال حاضر ظرفیت ذخیره‌سازی آب ایران در سدها به بیش از ۴۶میلیارد مترمکعب افزایش یافته است. محمدرضا رحیمی دیروز در مراسم آغاز به کار نخستین کنفرانس بین‌المللی صنعت سد و برق‌آبی ایران با اعلام اینکه در حال حاضر حدود یک‌هزار سد در ایران مراحل مختلف بهره‌برداری، ساخت و مطالعه را پشت سر می‌گذارند، تصریح کرد: در این بین ۵۴۳ سد شامل سدهای کوچک و بزرگ با ظرفیتی بالغ بر ۴۶میلیارد مترمکعب آب در مدار بهره‌برداری قرار دارد.